

## اطلاعیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

### در باره وضعیت کنونی ایران و وظیفه پیشاهنگ انقلابی

وضعیت کنونی ایران بیانگر تشدید همه‌جانبه تضادهای بنیادی جامعه‌ای است که دهه‌ها زیر سلطه یک دولت ارتجاعی متکی بر سرمایه‌داری بوروکراتیک-کمپرادور و پیوندهای عمیق با نظام امپریالیستی جهانی قرار دارد. جمهوری اسلامی نه یک انحراف گذرا، بلکه شکل معین حاکمیت طبقاتی است که با اتکا بر سرکوب سازمان‌یافته، مذهب دولتی و ادغام در مناسبات امپریالیستی، بقای خود را تضمین کرده است. فقر گسترده، بیکاری، نابودی معیشت توده‌ها، فساد ساختاری و خشونت عریان دولتی، پیامد منطقی این ساختار طبقاتی است، نه نتیجه خطاهای مقطعی.

خیزش‌ها و اعتراضات سال‌های اخیر در ایران، بیان انفجار خشم انباشته توده‌ها علیه این نظم ارتجاعی است. کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و لایه‌های فرودست شهری به اشکال گوناگون وارد میدان شده‌اند و نشان داده‌اند که شکاف میان حاکمیت و مردم به مرحله‌ای عمیق و حل‌ناپذیر رسیده است. این تحركات از نظر دامنه و شدت اهمیت دارد، اما از منظر مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، هیچ جنبش توده‌ای صرفاً به دلیل گستردگی یا شجاعت، به‌طور خودکار انقلابی نمی‌شود. مسئله تعیین‌کننده، خط سیاسی، رهبری و هژمونی طبقاتی حاکم بر جنبش است.

در شرایط کنونی، بخش بزرگی از این اعتراضات خصلت خودانگیخته دارد و در غیاب رهبری پرولتری و خط مستقل طبقاتی، در معرض مصادره و انحراف از سوی نیروهای بورژوازی، لیبرالی و پروژه‌های امپریالیستی قرار

گرفته است. امریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل و متحدان منطقه‌ای‌شان، همراه با جریان‌ات سلطنت‌طلب و لیبرال، می‌کوشند نارضایتی توده‌ها را به ابزاری برای بازآرایی شکل سلطه و حفظ وابستگی ایران به نظام امپریالیستی بدل کنند. این نیروها دشمنان واقعی رهایی مردم ایران‌اند و هیچ بدیلی جز تعویض چهره‌های حاکم در چارچوب همان نظم طبقاتی ارائه نمی‌دهند.

مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم بر نقش تعیین‌کننده پیشاهنگ انقلابی تأکید می‌کند. مائو تسه‌تونگ با طرح اصل «از توده‌ها، به سوی توده‌ها» نشان می‌دهد که پیشاهنگ نه در برابر توده می‌ایستد و نه دنباله‌رو خودانگیختگی آن می‌شود، بلکه اندیشه‌ها و مطالبات پراکنده توده‌ها را گرد می‌آورد، آن‌ها را از صافی تحلیل طبقاتی و خط انقلابی عبور می‌دهد و سپس به صورت آگاهانه به میان توده‌ها باز می‌گرداند. بدون چنین رهبری‌ای، جنبش‌های توده‌ای یا فرسوده می‌شوند یا به ابزار دست نیروهای غیرپرولتری و امپریالیستی بدل می‌گردند.

بحران امروز ایران، هم‌زمان بحران حاکمیت ارتجاعی و بحران رهبری انقلابی است. رژیم در بن‌بست ساختاری گرفتار شده و قادر به حل تضادهای اساسی جامعه نیست، اما نبود یک حزب کمونیستی متکی بر خط م.ل.م، با ریشه در طبقه کارگر و پیوند ارگانیک با توده‌های زحمتکش، مانع از آن شده است که این وضعیت به‌طور خودکار به گذار انقلابی بیانجامد. بخش‌هایی از چپ، به جای ایفای نقش پیشاهنگ، به دنباله‌روی از موج‌های اعتراضی یا صدور اعلامیه‌های کلیشه‌ای بسنده کرده‌اند و بدین‌سان به «پس‌آهنگ» جنبش فروکاسته شده‌اند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بر این باور است که وظیفهٔ عاجل نیروهای کمونیست و انقلابی، نه تقدیس خودانگیختگی و نه کناره‌گیری از مبارزهٔ جاری، بلکه بازسازی خط و سازمان انقلابی بر پایهٔ مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم است. این وظیفه مستلزم تحلیل علمی از ساختار طبقاتی ایران، افشای هم‌زمان ارتجاع حاکم و آلترناتیوهای امپریالیستی، و کار پیگیر در میان توده‌ها برای ارتقای آگاهی طبقاتی و سازمان‌دهی مستقل است. تنها از این مسیر می‌توان مبارزات پراکنده را به روندی آگاهانه و انقلابی بدل کرد.

رهایی مردم ایران نه از مسیر پروژه‌های امپریالیستی «گذار»، نه با بازگشت اشکال کهنهٔ ارتجاع، و نه با انفجارهای خودانگیختهٔ فاقد رهبری ممکن است. این راهی تنها در گرو پیشروی یک جنبش انقلابی با رهبری پرولتری، خط مستقل طبقاتی و پیوند عمیق با توده‌های ستم‌دیده است. تحقق این وظیفهٔ تاریخی، مسئولیتی است که بر دوش نیروهای کمونیست و انقلابی قرار دارد و بدون آن، هیچ تغییر بنیادینی پایدار نخواهد بود.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

جدی / دلو ۱۴۰۴

جنوری / فبروری ۲۰۲۶